اولویت من تلویزیون است

احمد معظمی، کارگردان: سریال «دروازه بهشت» درباره تاریخ اسلام است و کار آن به‌زودی شروع می‌شود. اکنون در مرحله پیش‌تولید و انتخاب بازیگران هستیم و اگر همه مسائل برطرف شود، «دروازه بهشت» مقابل دوربین می‌رود. من عِرق زیادی به تلویزیون دارم و اولویتم همیشه تلویزیون بوده است./ ایرنا

گلایه از بدقولی تهیه‌کنندگان

محمد فیلی، بازیگر سینما و تلویزیون: افراد نابلد به‌عنوان مسئول و تهیه‌کننده به این عرصه وارد می‌شوند، مبلغ هنگفتی به‌دست می‌آورند ، بالطبع تحریک می‌شوند و این مبالغ را خرج می‌کنند؛ درنهایت دستمزد هنرمندان را پرداخت نمی‌کنند و متواری می‌شوند. /صبا

صفحه‌آرا: بهروز قلی پور

کوتاه‌تر از گزارش

به وقت تماشای تئاتر در تابستان

تا پایان نیمه اول تابستان ۸نمایش در تئاتر شهر روی صحنه می‌روند

مجموعه تئاتر شهر در تابستان پیش رو، اجراهای متنوعی از نمایشنامه‌نویسان و کارگردانان دارد. بخش اول اجراهای تابستان تا هفته سوم تیر ادامه دارد و بخش دیگر اجراها از هفته پایانی تیرماه آغاز می‌شود؛ نمایش‌هایی که با قیمت بلیت ۱۲۰تا ۱۸۰هزار تومان روی صحنه می‌روند و تماشاگران علاوه بر قیمت بلیت باید ۹درصد ارزش افزوده بپردازند. البته سالن اصلی هم میزبان نمایش ۲۵۰هزار تومانی می‌شود.

چاپلین

سالن اصلی تئاتر شهر، از پایان تیرماه، میزبان نمایش «چاپلین» به کارگردانی مهران رنجبر است. در این نمایش پرتره‌ای از زندگی چارلی چاپلین روی صحنه می‌رود. مهران رنجبر، کارگردان این اثر نمایشی تاکنون پرتره‌های «استیو جابز»، «مارلون براندو»، «مارادونا» و «چه» (ارنستو چگوارا) را به صحنه برده است. بهزاد خلج نقش اول این نمایش را بازی می‌کند. بلیت این نمایش با کف قیمت ۲۰۰هزار و سقف ۲۵۰هزار تومان به فروش می‌رسد.

تایتان

«تایتان» یکی از نمایش‌هایی است که تا ۲۰تیر در تالار قشقایی روی صحنه است. رضا بهکام نمایشنامه را براساس داستان «دست آخر» ساموئل بکت نوشته و بابک محمودزاده آن را کارگردانی کرده است. سجاد افشاریان هم تهیه‌کننده این اثر نمایشی است. این نمایش با حضور بیش از ۱۰بازیگر و قیمت بلیت ۱۸۰هزار تومانی اجرا می‌شود.

انتهای گلو

ساعت ۱۸ هر روز نمایش «در انتهای گلو» در تالار قشقایی اجرا می‌شود. سیدمحمدجواد سیدی‌زاده کارگردان آن است. این نمایش تا پایان تیرماه روی صحنه است. قیمت بلیت این نمایش ۱۷۰هزار تومان است و در آن ۵بازیگر بازی می‌کنند. این نمایش سال گذشته در جشنواره تئاتر فجر اجرا شد.

در جست‌وجوی بازیگر هملت

سالن چهارسو از نیمه دوم تیر میزبان نمایش «در جست‌وجوی بازیگر هملت» است، نمایشی با دراماتورژی و کارگردانی مسعود دلخواه که تا دهم مرداد روی صحنه است. این نمایش براساس خلاقیت گروهی پیش می‌رود و ۱۰۰دقیقه طول می‌کشد و بلیت آن هم ۱۸۰هزار تومان به فروش می‌رسد. مانند دیگر کارهای دلخواه، این نمایش از نظر تعداد بازیگر شلوغ است.

خون‌مردگی

از هفته آخر تیرماه، سالن قشقایی میزبان نمایش «خون‌مردگی» به کارگردانی مهدی جلینی است. عوامل گروه برای تماشاگران رده سنی تعیین کرده‌اند. «خون‌مردگی» برای تماشاگران بالای ۱۶سال قابل تماشاست. بلیت این نمایش ۹۰دقیقه‌ای ۱۸۰هزار تومان به فروش می‌رسد.

خیلی زود عادت می‌کنیم

در کارگاه نمایش، تئاتر «خیلی زود عادت می‌کنیم» با تمدیدی که داشته روی صحنه است.
این نمایش به کارگردانی پرستو کرمی نشان می‌دهد که چگونه وفق داده شدن با شرایط پیرامون انسان را به سمت تباهی سوق می‌دهد و ما باید یاد بگیریم که خیلی زود به آنچه در پیرامونمان اتفاق می‌افتد عادت نکنیم. قیمت بلیت این نمایش ۹۰دقیقه‌ای ۱۲۰هزار تومان است.

لوپ

از اول مردادماه و به مدت ۱۵روز نمایش «لوپ» به کارگردانی مهتاب وجدانی روی صحنه می‌رود. مدت اجرای نمایش، یک ساعت و قیمت بلیت آن ۱۸۰هزار تومان است.

دوبله

زیرنویس، جای دوبله خوب را نمی‌گیرد

گفت و گو با ژرژ پطروسی صدای آشنا و مدیر دوبلاژ شاخص

گفت‌وگو: شقایق عرفی نژاد
روزنامه‌نگار

ژرژ پطروسی از نسل طلایی دوبله ایران است. او اگرچه در رشته تئاتر تحصیل کرده، اما کارش را حتی پیش از فارغ‌التحصیلی با دوبله شروع کرده و آن را برای بیش از ۵۰سال ادامه داده است. صدای او را روی بازیگران ایرانی و خارجی مطرحی مثل لارنس اولیویه، رابرت ردفورد(کاپیتان آمریکا، سرباز زمستان)، واکین فینیکس (جوکر، او، ناپلئون)، دنزل واشنگتن و همینطور علی نصیریان در ناخدا خورشید شنیده‌ایم. او به‌زودی هم کارگاه یک روزه فن بیان در سینما را در موزه سینما برگزار خواهد کرد. با پطروسی که اخیرا درباره وضعیت فعلی دوبله هشدار داده است، درباره وضعیت دوبله و فیلم‌هایی که در آنها نقش‌گویی کرده، صحبت کرده‌ایم.

نیکلاس کیج
شهر فرشتگان

واکین فینیکس
ناپلئون

رابرت ردفورد
کاپیتان آمریکا
سرباز زمستان

با کارگاهی که قرار است برگزار کنید، شروع کنیم. در این کارگاه چه اتفاقی قرار است بیفتد؟

این کارگاه آموزش دوبله نیست. قرار است جلسه‌ای باشد درباره فن بیان برای بازیگرانی که روی صحنه بازی می‌کنند یا کسانی که قصد دارند وارد کار دوبله شوند. کارگاهی است که قرار است با هم در این مورد تمرین کنیم و با این مقوله آشنا شویم.

وضعیت آموزش دوبله را چطور می‌بینید؟

بخشی از کلاس‌هایی که برگزار می‌شود، توسط همکاران من انجام می‌شود که در این کار سابقه دارند. بخشی هم کسانی هستند که خودشان چیزهایی یاد گرفته‌اند و فکر می‌کنند می‌توانند به بقیه هم یاد بدهند. من اطلاعی از این کلاس‌ها ندارم. نمی‌دانم چه کیفیتی دارند، ولی فکر نمی‌کنم بتوانند آموزش بدهند. چون کارهای خودشان کارهای خوبی نیست. کسی که در هر زمینه‌ای کلاس راه می‌اندازد باید مجوز داشته باشد. باید جایی باشد که روی این کار نظارت کند، وگرنه هرکس می‌تواند یک کلاس بگذارد و پولی از مردم بگیرد. این در حالی است که هر کسی نباید به‌خودش اجازه دهد کلاس راه بیندازد. حتی من که سابقه طولانی در کارم دارم باید جایی باشد من را تأیید کند که می‌توانم آموزش بدهم.

درباره این نظارت جای دیگری هم صحبت کرده و هشدار داده‌اید که اگر نهادهای دولتی کاری برای نظارت بر دوبله حال حاضر نکنند، این دوبله فاخر از بین می‌رود. شرایط حال حاضر را بیشتر برایمان باز می‌کنید؟

شرایط حال حاضر خیلی مشخص است. یک شرایط بی‌در و پیکر به هم ریخته که اصلا معلوم نیست چه‌کسی چه کاره است. یک مقداری از دوبله‌های بد در ایران انجام می‌شود و یک‌سری هم در شبکه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور روی سریال‌های سخیف ترکی. این سریال‌های بد با زبان و لحن بدتر هم دوبله می‌شوند، اصلا سطح سلیقه تماشاگر را پایین می‌آورند و این خسارت جبران‌ناپذیری برای فرهنگ است. آثار فرهنگی باید فاخر و رو به تعالی برود. یعنی هر اثر از قبلی بهتر باشد. اگر محصول فرهنگی با کیفیت بدی تولید کنیم و در اختیار تماشاگر بگذاریم، این کار ضدفرهنگی است. اینکه چه‌کسی باید بر این کار نظارت کند و چه تمهیداتی باید اندیشیده شود من نمی‌دانم، ولی باید نظارت در مورد کارهای داخل وجود داشته باشد. چون در مورد شبکه‌های خارج از ایران کاری نمی‌توان کرد، ولی در داخل باید با آدم‌هایی که کارشان را بلدند و جایگاه حرفه‌ای‌شان مشخص است، مشورت شود تا نظارت کیفی روی کارها و کاربرد واژه‌ها برای حراست از زبان فارسی صورت بگیرد. بعد هم باید تشویق به تولید آثار فاخر کنند. اگر ما سریال‌های خوب تولید کنیم مردم آنها را تماشا می‌کنند. ولی الان تحت‌تأثیر سریال‌های ترکی یک‌سری سریال ساخته می‌شوند، چون دیده‌اند سریال ترکی طرفدار دارند و می‌خواهند مخاطب جذب کنند. ولی جذب مخاطب باید با ارائه کار فرهنگی خوب و فاخر از نظر ادبی و اجرایی انجام شود که کار دشواری است.
دولت باید از چنین تولیداتی حمایت کند. همانقدر که جوانان جذب تولیدات خوب داخلی شوند، کار بزرگی است. چون بقیه را هم تشویق به تولید چنین کارهایی می‌کنند.

مسئله‌ای هم درباره لزوم دوبله مطرح شده؛ البته با وجود زیرنویس و عادت کردن تماشاگر ایرانی به دیدن فیلم خارجی با صدای اصلی و زیرنویس، الان ضرورت دوبله چیست؟

همانقدر که نمی‌توانیم بگوییم همه باید زبان انگلیسی یا زبان‌های دیگر را یاد بگیرند تا کتاب را به زبان اصلی بخوانند، دوبله هم همینطور است. دوبله اگر خوب انجام شود با اینکه اصالت فیلم را ندارد و نمی‌تواند هم داشته باشد، کار درستی است. وقتی فیلم را با زیرنویس می‌بینید وقت زیادی از شما صرف خواندن زیرنویس می‌شود. درحالی که اتفاق اصلی در صحنه دارد می‌افتد. ممکن است کارگردان گوشه کادر چیزی قرار داده باشد که مفهوم مهمی در فیلم دارد، ولی وقتی شما با زیرنویس نگاه می‌کنید آن را نمی‌بینید. به‌خصوص در فیلم‌هایی مثل فیلم‌های ایتالیایی که تند صحبت می‌کنند اگر دوبله درستی انجام شود بسیار سودمند است. چون ارتباط فرهنگی به شکل بهتری اتفاق می‌افتد. فیلم با زبان اصلی برای کسانی خوب است که دوست دارند تمام جزئیات صوتی فیلم مثل نفس بازیگر را حس کنند. ولی برای عموم مردم که می‌خواهند فیلم را ببینند زیرنویس کارساز نیست. دوبله خوب کار ظریف و حساسی است که محصول کار نویسنده ، کارگردان و دوبلور است.

فکر می‌کنید چه شد که آن نسل طلایی دوبله با کسانی مثل شما، منوچهر اسماعیلی، نصرالله متقالچی، زهره شکوفنده و تاجی احمدی شکل گرفت؟

اتفاق فرهنگی در یک برهه از زمان در دوبله افتاد که عین آن در ادبیات، شعر، نقاشی و موسیقی رخ داد. دوره طلایی فرهنگی وجود داشت که محصولش در دوبله همان‌هایی هستند که اسم بردید. بعدها البته همه‌چیز به هم خورد و این آدم‌ها هم یا از کارافتاده شدند یا از دنیا رفتند و جایگزینی برای آنها نبود. کسانی که در انجمن دوبله هستند میراثی از این گذشتگان را از نظر تکنیک و درک دریافت کرده‌اند، ولی کسانی که بیرون کار می‌کنند خودشان دارند همه‌چیز را کشف می‌کنند و طبعا دیر به این نقطه می‌رسند.

چند سؤال از کار خودتان می‌خواهم بپرسم. چه شد که نقش مستر فرهان را در ناخدا خورشید گفتید؟ با توجه به اینکه قبل از آن ناصر طهماسب جای آقای نصیریان صحبت می‌کرد.

اولا آقای نصیریان استاد است و در فیلم‌های قدیمی هم که خودش صحبت کرده، عالی است. در مورد بازیگران ایرانی معمولا به‌دلیل مشغول بودن بازیگر در یک کار دیگر، یک دوبلور جای او صحبت می‌کرد. نمی‌دانم چه شد که در ناخدا خورشید من برای دوبله نقش آقای نصیریان انتخاب شدم. قطعا تصمیم آقای اسماعیلی، مدیر دوبلاژ بود. به هر حال برای من، بودن در چنین فیلمی در هر نقشی مبارک بود. حین دوبله این کار، روزهای عالی داشتیم.

فکر می‌کنید تفاوتی بین دوبله بازیگران جدید مثل کریس همسورث که در سری فیلم‌های انتقام‌جویان جای او صحبت کرده‌اید و بازیگری مثل لارنس اولیویه که جای او هم حرف زده‌اید، وجود دارد؟

بازیگران دوران کلاسیک به‌دلیل اینکه خود آن سینما مبتنی بر ادبیات بوده و بازیگران هم مثل لارنس اولیویه بازیگران درخشان تئاتر بوده‌اند، شیوه خاصی برای بازی، گفتار و ایست صحنه‌ای دارند. نقش‌هایی که امروز در سینما می‌بینم آدم‌های خیلی معمولی هستند. به‌خصوص در هالیوود بازیگران درخشانی هستند که بازیگری نمی‌کنند، نقش را زندگی می‌کنند. یعنی لحظه‌ای که فیلم شروع می‌شود شما دیگر فراموش می‌کنید اینها بازیگرند. بنابراین شیوه کارشان با بازیگران کلاسیک متفاوت است.

و روی کار شما هم تأثیر می‌گذارند؟

بله. طبعا همینطور است.

دوبله فیلم ناپلئون و نقش واکین فینیکس چطور تجربه‌ای بود؟ شما قبلا هم جای او در فیلم «جوکر» و «او» صحبت کرده بودید.

فینیکس یکی از همان‌هایی است که درباره‌شان الان صحبت کردم. نخستین بار او را در گلادیاتور دیدم. برایم یک پدیده بود و هنوز هم هست. بازیگر درخشان و دشواری است که هر بار جای او صحبت کرده‌ام، لذت برده‌ام. البته همکاران دیگری هم او را دوبله کرده‌اند که خیلی خوب بوده است. اصولا دوبله او مثل یک مکاشفه است. لحظه به لحظه یک چیز جدید در هر دیالوگ و مکث او کشف می‌کنید. در نقش ناپلئون هم فوق العاده بود. ولی فیلمی که بیشتر از فینیکس دوست دارم فیلم «او» است.

علی نصیریان
ناخدا خورشید

علیرضا شجاع‌نوری
روز واقعه

جشنواره

فیلم‌های آنتونیونی و دسیکا در کلاسیک‌های ونیز

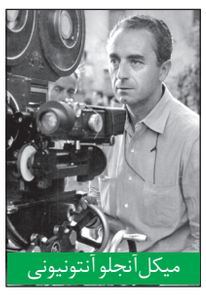

میکل آنجلو آنتونیونی

ویتوریو دسیکا

فیلم‌های میکل آنجلو آنتونیونی، ویتوریو دسیکا و لینا ورتمولر در بخش کلاسیک‌های جشنواره فیلم ونیز امسال جای گرفتند. ونیز نسخه ترمیم‌شده فیلم کلاسیک «شب» اثر میکل آنجلو آنتونیونی و «طلای ناپل» اثر ویتوریو دسیکا را در فهرست ۱۸فیلمی گذاشت که بخش کلاسیک‌های هشتادویکمین دوره جشنواره را تشکیل می‌دهند. «شب»، درام سیاه‌وسفید محصول ۱۹۶۱، یک روز و شب از زندگی یک رمان‌نویس سرخورده و همسر بیگانه‌اش را به تصویر می‌کشد. این فیلم در صدمین سالگرد تولد مارچلو ماسترویانی، بازیگر نقش اصلی آن، نمایش داده می‌شود.
«طلای ناپل» ساخته ویتوریو دسیکا با بازی سوفیا لورن، محصول ۱۹۵۴ متشکل از ۶اپیزود است که با الهام‌گرفتن از داستان‌های کوتاه جیووانی ماروتا ساخته شده و در پنجاهمین سال درگذشت این کارگردان شهیر ایتالیایی به نمایش درمی‌آید. از دیگر فیلم‌های ایتالیایی این فهرست فیلم «ازبین‌رفته توسط یک سرنوشت غیرمعمول در دریای آبی» است که با عنوان «شیفته» هم شناخته می‌شود. این فیلم ساخته لینا ورتمولر، کارگردان ایتالیایی است که نامش به‌عنوان نخستین کارگردان زن نامزد اسکار در تاریخ ثبت شده و سال ۲۰۲۱ در ۹۳سالگی درگذشت. فیلم‌های انگلیسی‌زبان این فهرست شامل فیلم‌هایی چون «مهابهاراتا» ساخته پیتر بروک محصول ۱۹۸۹ و کمدی «منشی همه‌کاره او» ساخته هاوارد هاکس با بازی کری گرانت و روزالیند راسل محصول ۱۹۴۰ است.
بخش کلاسیک ونیز از سال ۲۰۱۲ به‌عنوان بخشی از جشنواره افزوده شده و به بهترین فیلم بازسازی‌شده و بهترین مستند درباره سینما به انتخاب هیأت‌داوران دانشجو جایزه می‌دهد.

هالیوود

بازگشت کارگردان «لالالند»

تولید فیلم بعدی دیمین شزل پاییز امسال شروع می‌شود. به گزارش مهر به نقل از ورلد آف ریل، ماه آوریل، دیمین شزل ساخت فیلم بعدی خود را با پارامونت نهایی کرد. از این فیلم که گفته شده داستانش در یک زندان می‌گذرد، به‌عنوان درامی با بودجه متوسط یاد شده که تا حدودی اکشن هم هست.
حالا شنیده‌ها حاکی از آن است که تولید این فیلم در اکتبر آغاز می‌شود و فیلم تا سال ۲۰۲۵ راهی سینماها خواهد شد. «بابل» آخرین فیلم شزل بود که با بودجه نزدیک به ۱۰۰میلیون دلاری ساخته شد و ۶۳میلیون دلار فروخت و درنهایت ۸۷میلیون دلار به پارامونت ضرر زد؛ هرچند در کمال تعجب این فیلم در فرانسه فیلم موفقی بود؛ هم نظر منتقدان را جلب کرد و هم تماشاگران را به سینماها کشاند. شزل در زمستان گفت نگارش یک فیلمنامه جدید را به پایان برده است؛ اما نمی‌داند پس از ناموفق‌بودن «بابل» هالیوود چگونه از وی استقبال می‌کند. شزل در مقام کارگردان، سازنده «ویپلش»، «لالالند» و «نخستین انسان» است و باید گفت «بابل» گرچه مشکلاتی داشت، دید سینمایی عالی و دیوانه‌کننده آن شایسته چنین مخالفتی نبود. این کارگردان ۳۹ساله که تحصیلات سینمایی خود را در دانشگاه هاروارد پشت سر گذاشته، فعالیت رسمی خود را از سال ۲۰۰۸ آغاز کرده است. وی که ابتدا بیشتر فیلمنامه‌های آثار درجه ۲ ترسناک را بازنویسی می‌کرد تا بتواند درآمدی داشته باشد، نخستین فیلم خود را با عنوان «گای و مدلین روی نیمکت پارک» در سال ۲۰۰۹ ساخت و توانست نام خود را مطرح کند. نخستین موفقیت جدی شزل سال ۲۰۱۴ با ساخت فیلم «ویپلش» رقم خورد که ۵نامزدی اسکار برای بهترین فیلم، بهترین فیلمنامه اقتباسی، بهترین بازیگر نقش مکمل مرد، بهترین صداربرداری و بهترین تدوین کسب کرد و جز ۲مورد اول، بقیه جوایز را به‌دست آورد.
بعد از موفقیت‌های ویپلش، شزل سراغ یکی از ایده‌های قدیمی خود رفت و فیلم «لالالند» را با بازی اما استون و رایان گاسلینگ در سال ۲۰۱۶ ساخت. ایده اصلی این فیلم در سال ۲۰۱۰ و در دوران دانشگاه به ذهن شزل رسیده بود و او با کمک دوست خود، جاستین هورویتز، فیلمنامه را نوشت. «لالالند» با تحسین جهانی همراه شد و منتقدان آن را یکی از بهترین فیلم‌های موزیکال در تمام ادوار تاریخ سینما می‌دانند. فیلم در یک اتفاق کم‌سابقه در ۱۴رشته نامزد اسکار شد و توانست ۶جایزه ازجمله جایزه اسکار بهترین کارگردانی را برای شزل به‌دست آورد و شزل را تبدیل به جوان‌ترین شخصی کرد که تاکنون این جایزه را برده‌است.